رنگ و بوم

«شاخه‌های بی‌قرار» از کانادا در ایران

رضا بیگناه، هنرمند مقیم کانادا، بار دیگر تازه‌ترین نقاشی‌هایش را برای نخستین نمایش به ایران و گالری مژده آورده است. بیگناه در معرفی مجموعه تازه‌اش می‌گوید: «از غم و اندوهی که این روزها وطنم را فرا گرفته است بسیار متاسف و بسیار اندوهگینم». رضا بیگناه که به خاطر تعطیلی گالری‌ها در هفته پیش با یک هفته وقفه این نمایشگاه را دایر کرده، درباره چرایی نمایش این آثار در ایران به ایران‌آرت گفته: «همواره دوست دارم، نخستین بار آثارم را در وطن محبوبم نمایش دهم. نگاه ایرانیان به فضای ذهنی من نزدیک‌تر است. به عنوان یک ایرانی دوست دارم در کنار هم‌زبان‌های خودم نمایشگاه داشته باشم زیرا از این فضا انرژی می‌گیرم». اگر می‌خواهید آثار بیگناه را ببینید تا ۲۷ دی هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ وقت دارید خودتان را به گالری مژده در سعادت‌آباد، خیابان علامه طباطبایی شمالی، کوچه هجدهم شرقی، پلاک ۲۷ برسانید.

دنگ

منزوی‌خوانی معتمدی

حسین منزوی از شاعران مورد علاقه اهالی موسیقی است. نشان به آن نشان که بسیاری از آهنگسازها و خواننده‌ها شعرهای او را مد نظر قرار می‌دهند و حالا هم خبر رسیده آلبومی با صدای محمد معتمدی با عنوان «نام من عشق است» قرار است اسفند امسال منتشر شود؛ نام آلبوم برگرفته از غزلی از حسین منزوی است با آغاز «نام من عشق است آیا می‌شناسیدم». میدیا فرج‌نژاد، آهنگساز این آلبوم است. شعرهای این اثر از میان آثار برخی از شاعران ادبیات کهن ایران و شاعران معاصر انتخاب شده است. مولانا، حسین منزوی، شفیعی کدکنی، علیرضا کلیایی، غلامرضا طریقی و علیرضا بدیع شاعرانی هستند که آثارشان در این آلبوم اجرا شده‌اند. کوارتت «کلگیوم»، کوارتت پرکار و نام آشنای اوکراینی است که بخش‌هایی از این آلبوم را نواخته است.

توصیه تئاتری برای کمک به سیل‌زده‌ها

آذر مبارکی را همان‌قدر که به فعالیت‌هایش در تئاتر عروسکی می‌شناسیم به عنوان هنرمندی که مدتی است با تاسیس انجمن مردم نهاد «باغچه مهر» فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی گوناگونی را در استان سیستان و بلوچستان انجام داده هم به یاد می‌آوریم. حالا او در گفت‌وگو با ایسنا توصیه کرده برای کمک به مردم این خطه باید به فرهنگ عمومی آنان توجه داشته باشیم. او گفته بی‌تجربه‌ها نیایند.

عصر امروز با آلبر کامو در ویلا

اخیرا نامه‌های عاشقانه آلبر کاموی فرانسوی که پس از نیم‌قرن منتشر شده با ترجمه زهرا خانلو به بازار کتاب آمده و به همین بهانه امروز ساعت ۱۷ مراسمی در خانه اندیشمندان علوم انسانی در خیابان نجات‌اللهی (ویلا) برگزار می‌شود. هم سفیر فرانسه حرف می‌زند و هم نسرین خطاط، مینو مشیری، زهرا خانلو و جواد فرید.

آیا داستان‌نویس‌ها حق دارند نوشتن و انتشار را کنار بگذارند؟ این پرسش را با بررسی چند نمونه خارجی و وطنی مطرح کرده‌ایم

مگر دست شماست که ننویسید؟!

محمدرضا بایرامی گفته دیگر رمان منتشر نمی‌کند و با واکنش رضا امیرخانی مواجه شده است؛ پیش از بایرامی، هوشنگ مرادی کرمانی هم از نوشتن کناره گرفته بود

صابر محمدی

ادبیات و هنر

ده سال پیش وقتی فیلیپ راث، رمان «الهه انتقام» را با این جمله که «به نظرمان می‌رسید او شکست‌ناپذیر است» به پایان برد، هیچ‌کس حتی فکرش را هم نمی‌کرد این واپسین جمله‌ای است که این نویسنده بزرگ آمریکایی روی کاغذ می‌آورد. به نظر می‌رسد «او»، «شکست‌ناپذیر» باشد، اما حتی او هم شکست خورد. اما آیا واقعا دست‌کشیدن از نویسندگی، شکست محسوب می‌شود؟

چندی بعد که اعلام شد راث خداحافظی‌اش را رسمی کرده است، یکی از دوستانش درباره این تصمیم گفت: «من که باورم نمی‌شود؛ نویسنده‌ای که در حال نفس‌کشیدن است، بگوید دیگر داستان نمی‌نویسد. درواقع سند مرگ خود را امضا کرده است».

به هر حال امضای راث پای تصمیمش بود و مخالفان و موافقان در این باره سخن می‌گفتند. کمتر پیش می‌آید نویسندگان خود را بازنشسته کنند؛ برای آنها داستان‌نویسی، برابر است با زنده‌ماندن. بیماری، قهر مخاطبان یا حتی جنون‌های آنی از راه‌های رایج خاتمه‌یافتن نویسندگی است، اما بازنشستگی نه. اما راث وقتی قلم را بوسید و کنار گذاشت، هم سلامت بود و هم هنوز مورد توجه. آنها را چه می‌شود که چنین می‌کنند؟

دیروز گزارشی از یک نشست منتشر شد که در آن محمدرضا بایرامی نویسنده ایرانی اعلام کرد به این کاروان پیوسته است؛ به کسانی که زمزمه‌های خداحافظی را مطرح می‌کنند.

پیش از او، چند ماه پیش، هوشنگ مرادی کرمانی نیز سوار همین قطار شده بود. حالا رضا امیرخانی وارد ماجرا شده و در این باره حرف زده است. ابتدا اینها را مروری بکنیم سپس برویم سراغ چند نفر دیگر از قطاری که دیگر چندان هم خالی از مسافران نیست.

فیلیپ راث موقع خداحافظی از نویسندگی گفته بود به حرف **جو لوئیس** مشت‌زن فقید رسیده که می‌گفت با توجه به توانایی‌هایش بهترین کارهایی را که از دستش برمی‌آمده انجام داده است. جالب این‌که بعدها **هوشنگ مرادی کرمانی** هم وقتی خداحافظی کرد به بوکسورها اشاره کرده بود!

شرح ماوقع

ابتدا این که...

عصر دوشنبه فرهنگ‌سرای رسانه تهران میزبان محمدرضا بایرامی، قاسم‌علی فراست و رضا امیرخانی بود و قرار هم بر رونمایی از کتاب تازه بایرامی که «درخت ابریشم بی‌حاصل» نام دارد. دوستانش ظاهرا از پیش می‌دانستند این کتاب، واپسین رمان منتشرشده بایرامی خواهد بود با این حال او ابتدا گفت: «باید تفکیکی انجام بدهم. ما چیزی به نام نوشتن داریم و در مقابل چیزی به نام چاپ‌کردن. بحث من بیشتر ناظر بر عدم چاپ است».

نمی‌تواند ننویسد

سپس قاسم‌علی فراست وارد ماجرا شد و گفت: «من نگران نیستم که آقای بایرامی می‌گوید دیگر نمی‌نویسم چرا که او نمی‌تواند ننویسد. نویسنده دردی در درون دارد که نمی‌توان آن را کتمان کرد چرا که بیرون می‌ریزد. بعضی وقت‌ها وجد است که بیرون می‌زند و دست خودش نیست. او دلگیر است، انگیزه‌اش کم شده است و البته حق دارد. جلال آل احمد می‌گوید نوشتن برای من مانند نفس کشیدن است، مگر می‌شود نفس نکشیم. بعضی نویسنده‌ها هستند که کتاب سازند و اگر کنار بکشند اتفاقی نمی‌افتد اما بایرامی اگر کنار بکشد دق می‌کند. برای این که درد تا گلویش بالا می‌آید و مگر می‌شود درد و شور را بیرون نداد؟ خاطرم هست پیش آقا عثمان محمدپرست رفته بودم؛ تعریف می‌کرد آقای شجریان به منزلم آمده بود؛ ازشان خواستم بخواند اما گفت نمی‌توانم. من شروع به زدن دوتار کردم و ناگهان دیدم ایشان در وسط نوازندگی من آواز خواندن را آغاز کرد. مطمئن باشید که بایرامی نمی‌تواند ننویسد. از آقای سارتر که نابینا شده بود می‌پرسند خیلی از این اتفاق ناراحت هستی؟ در پاسخ می‌گوید از این که نابینا شدم ناراحت نیستم بلکه از این ناراحتم که دیگر نمی‌توانم نوشته‌هایم را بازخوانی کنم. ببینید که ادبیات و روشنفکری او را اسیر کرده است. من ذره‌ای نگران نیستم بلکه ناراحتم که چرا آدم باشرفی مثل ایشان تصمیم به این کار گرفته است.»

قرار نیست شما برای ما تصمیم بگیرید

بعد از فراست نوبت رضا امیرخانی بود. او گفت با خواندن خود کتاب به این نتیجه رسیده که بایرامی دیگر نمی‌خواهد بنویسد. «اگر بخواهم بگویم که کدام بخش این کتاب من را آزرد و ناراحتم کرد و حتی بهم برخورد بخشی از کتاب بود که آقای بایرامی اعلام کرده بودند دیگر نمی‌خواهم رمان بنویسم.

تمام دعوای من در این جلسه بر روی همین موضوع است و می‌خواهم بهشان بگویم مگر دست شماست که ننویسید؟ ما از شما می‌خواهیم که برای ما بنویسید. قرار نبوده است که شما برای ما تصمیم بگیرید بلکه ما به عنوان مخاطب که به خواندن کتاب‌های خوب و بی‌نظیر عادت کرده‌ایم از شما می‌خواهیم باز هم بنویسید.

منظورم این نیست که آقای بایرامی بهترین کتاب‌ها را نوشته است؛ هیچ نویسنده‌ای وجود ندارد که همه بهترین کتاب‌ها را نوشته باشد، اما بعضی کتاب‌هایی که ایشان نوشته است بی‌نظیر بوده است. با این توضیحات می‌خواهم بگویم که دردناک‌ترین قسمت این کتاب جایی است که از این کتاب می‌شد نتیجه گرفت که ایشان دیگر نمی‌خواهد رمان بنویسد. این بخش تلخ‌ترین جای کتاب برای من به عنوان یک شهروند ایرانی و یک کتابخوان بود.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۷۵

جدول عادی

افقی: ۱) توانایی خواندن و نوشتن- کشور شش‌ضلعی اروپا- راستی و درستی ۲) هسته آهن‌ربای دائمی در ژنراتور- از القاب امام زمان(عج) ۳) انتشار یافته- مقابل آوردن- منتشرکننده کتاب ۴) از بلایای طبیعی- بصیرت- رودی در جنوب ایران ۵) کمک‌رسانی- کج و خمیده- رب‌النوع خورشید ۶) همراه سوزن- نوعی چاپ متخلخل- آن‌که در گذشته می‌زیسته است ۷) منشی- پندار- حرف نمی‌زند ۸) دوازده دوجین- دارای اندازه و شکل یکسان- قهوه‌ای مایل به سبز ۹) از کنده بلند می‌شود!- مثل- مردگان ۱۰) تبعیدگاه رضاخان- میوه گرمسیری- یادداشت ۱۱) غذای رقیق- گازی قابل اشتعال- سرطان خون ۱۲) قلب قرآن- همسایه آرژانتین- سرمایه جاودانی ۱۳) بی‌حیا- براق‌کننده کفش- غمخوار ۱۴) از ایالات متحده آمریکا- بدون همنشین و همراه بودن ۱۵) الفت- فرمانی نظامی- از مشتقات نفت.

عمودی: ۱) یار دلیله- پیشینیان- موجب شفا به لطف خدا ۲) برای تزیین سطوح کیف و کفش به کار می‌رود- از زیباترین منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی سروده نظامی ۳) سنگینی معده- چهارچوب- نشانی ۴) آنتن بشقابی- ماه سوم میلادی- مرکز کهگیلویه و بویراحمد ۵) ماهر- وجود- دست عرب ۶) عظمت- قمری خانگی- فیلم کوتاه تبلیغی ۷) شهر ساحلی- نوعی پارچه از الیاف گیاهی- نشانه ۸) اسب سرخ و سفید- صندوق لباس مادر بزرگ- چاک ۹) مقابل نسیه- همدم- مسافر سرزمین عجایب ۱۰) شراره آتش- الکل سفید- دویدن ۱۱) تکرار حرفی- ماده آرایشی مژه‌ها- فایده داشتن ۱۲) توبه کردن- وقت و هنگام- زبانه آتش ۱۳) مصلحت- باز شیمیایی- مساوی و برابر ۱۴) کنایه از بسیار شجاع بودن است- گوشواره ۱۵) مقابل آشتی- قابل اجرا- درویش به دست می‌گیرد.

جدول ویژه

افقی: ۱) فضاپیمای بالدار- همسایه کلمبیا و دریای کارائیب- راستی و درستی ۲) نوعی تنبیه نظامی- حاضر و آماده ۳) امتداد- فریاد بلند- آتش دوزخ ۴) زهرآلود- درگذشت- قسمتی از زین اسب ۵) شکاف‌های عمیق در بالاترین دیواره سد- نامی دخترانه- ضمیری عربی ۶) پیشوندی منفی- پیش‌بینی‌های بدش در حق دیگران عملی می‌شود- الگو ۷) پایان- مبنای تاریخ اسلامی- از اعمال حج ۸) همزاد- زیبایی- خواننده اشعار مذهبی ۹) استخوانی در پاچه گوسفند- ماه نو- میوه قرآنی ۱۰) شهری در ایتالیا- مرحله فعال چرخه کار قلب- دریا ۱۱) بسیار خوب- پرنده‌ای شناگر- از رسته‌های نظامی ۱۲) اختاپوس- قائم به ذات- قیمت ۱۳) پایتخت لتونی- پدر- تحسین فرنگی ۱۴) ادویه‌ای تند- نواری برای جلوگیری از زنگ‌زدگی لوله ۱۵) نشانه- پادشاه اساطیری یونان که به دست هرکول کشته شد- خنجر کوچک.

عمودی: ۱) شیرین‌گفتار- تکیه بر... و دانش در طریقت کافری است- رفوگر ۲) درد ها- کتابی اخلاقی و ادبی از حسین واعظ کاشفی ۳) بنیان نهادن- سگ کودکانه- حیرت‌انگیز ۴) واژه- طراح- شهر آفتاب برزیل ۵) داستان دنباله‌دار که در نشریات چاپ می‌شود- سازی زخمه‌ای- قامت ۶) مظهر سبکی- مجرای خروج مواد چرکی روی پوست- قضاوت ۷) جنگجو- بندری در هرمزگان- رود جیحون ۸) کمیابی- ساکنان محله- دریا ۹) زبانی از شاخه زبان‌های هندوایرانی- شیوه تلفظ- سفید ۱۰) منتظر وامیدوار- نوعی ماشین چاپ خودکار- بنابراین ۱۱) از مطهرات - صورت اسامی- ماه یازدهم فرنگی ۱۲) وضع موجود- جلد شده- جوانمرد ۱۳) پایتخت یمن- رجولیت- تأثیر ۱۴) کنایه از انتظار مشتاقانه است- سبک معماری رومی ۱۵) سرنوشت- بی‌حیا- عارضه شکننده شدن موها.

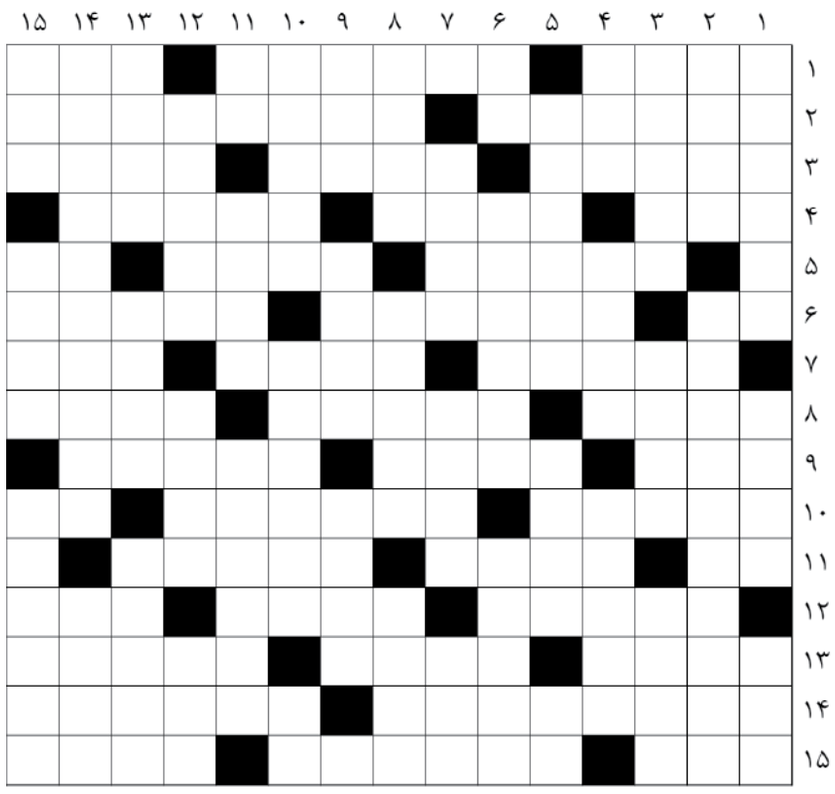

حل جدول عادی شماره ۵۵۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ل	ک	■	س	و	ر	ت	م	ه	■	ش	ن	ف	ت	ن
۲	ا	ل	ا	م	ا	ن	■	ا	ل	ع	ب	■	و	ک	
۳	ی	ی	ل	ا	ق	■	ب	د	ن	ی	■	ا	ج	ر	ت
۴	ه	م	ت	■	ع	ی	س	ی	■	ا	ب	ش	و	ی	ه
۵	■	■	م	ل	ی	ک	■	ا	ن	ح	ن	ا	ه	■	■
۶	ش	ج	ا	ع	■	ش	ک	ی	ب	■	د	ا	ر	و	ک
۷	ق	د	س	ی	ا	ن	■	ن	ا	ی	ب	■	ه	ج	ا
۸	ا	ا	■	ا	س	ب	ا	ب	ز	■	ی	ز	■	د	ن
۹	و	ی	ن	■	پ	ه	ل	و	■	ا	ن	س	د	ا	د
۱۰	ت	ی	ا	ت	ر	■	ت	ع	ل	ل	ن	■	ی	ن	ی
۱۱	■	■	پ	ر	س	ت	و	■	ا	ل	ا	ق	■	ب	
۱۲	گ	ل	ا	ی	و	ل	■	ب	د	ه	ی	■	ا	م	ا
۱۳	ی	و	ک	ا	■	ک	ن	د	ن	■	د	ل	چ	س	ب
۱۴	ر	ر	■	س	ر	س	ب	د	■	ب	ا	ر	ه	ن	گ
۱۵	ه	ل	ا	ه	ل	■	ش	ل	ه	ز	ر	ر	■	د	ز

حل جدول ویژه شماره ۵۵۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ر	■	ب	ن	د	ر	گ	ز	■	د	ه	ن	ل	ق
۲	ا	ح	ت	ر	ا	ق	■	س	ر	ز	ن	■	ش	ک	ی
۳	س	ی	ر	ا	ب	■	م	س	ی	ر	■	ت	ر	ن	م
۴	خ	ل	ا	■	غ	ی	ر	ت	■	ا	ن	گ	ش	ت	ه
۵	■	■	ف	ر	ه	ا	د	■	ج	د	ا	ی	■	■	
۶	ب	د	ی	ع	■	ر	ی	گ	ا	■	پ	ر	د	ی	س
۷	ا	س	ک	ن	ا	س	■	م	س	د	س	■	ز	ل	
۸	س	ت	■	ا	س	ت	ف	ن	ک	ی	ن	گ	■	د	ا
۹	م	و	ز	■	ت	ن	ی	ا	■	ا	د	ر	ن	ا	ل
۱۰	ه	ر	و	د	ت	■	ج	م	ی	ل	■	گ	ز	ن	ه
۱۱	■	■	ا	ر	ا	د	ی	■	ا	ی	ل	ی	ا	■	■
۱۲	ه	م	ی	ا	ر	ی	■	ب	ر	ز	و	■	ر	ز	ن
۱۳	م	ق	د	س	■	س	و	ر	ه	■	م	و	ی	ر	گ
۱۴	ت	ر	■	ن	م	ک	ی	ن	■	ح	ی	ل	ه	گ	ر
۱۵	ا	ب	ر	ا	ر	■	م	س	ت	م	ر	ی	■	ر	ش

شرکت صنایع ریخته گری سهند آذرین

شرکت سهند آذرین با ریخته گری انواع چدن داکتیل، خاکستری و آلیاژی در حوزه های زیر آماده ارائه خدمات می باشد:

- صنعت خودرو سازی
- صنعت تراکتور سازی
- صنایع ریلی
- صنایع آب و فاضلاب

تلفن تماس:
۰۴۱-۳۴۳۲۸۲۹۴-۷

شماره فکس:
۰۴۱-۳۴۳۲۸۲۹۵

sahandazarin

sahandazarinfoundry

آدرس کارخانه:
تبریز، شهرک صنعتی سلیمی، ۴۵ متری دوم، بلوک ۳/۳۷، قطعه ۳

www.sahandazarin.com

چند خداحافظی پرسروصدا

آلیس مونرو، کانادا [خداحافظی در ۸۲ سالگی]

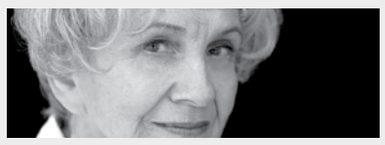

از دنیای نویسندگی خداحافظی می‌کنم. نه این که نوشتن را دوست نداشته باشم، اما به نظرم موقعی می‌رسد که حس می‌کنی به جایی رسیدی که دیگر می‌خواهی به زندگی‌ات به شکل دیگری نگاه کنی و شاید وقتی به سن من برسید، دیگر دلتان نخواهد آن‌قدر تنها باشید که یک نویسنده تنهاست.

فیلیپ راث، آمریکا [خداحافظی در ۷۷ سالگی]

از ۷۴ سالگی متوجه شدم دیگر زمان زیادی ندارم و شروع کردم به خواندن کتاب‌های ۲۰، ۳۰ سال اخیر خودم. از آخرین کتابم شروع کردم و با اولین کتابم این دوباره‌خوانی خاتمه یافت.

ای.ام. فورستر، آمریکا [خداحافظی در ۴۵ سالگی]

پس از رمان «گذری به هند» چون نمی‌توانم صادقانه و آزادانه در مورد روابط جنسی بنویسم، نوشتن رمان را رها می‌کنم.

هوشنگ مرادی کرمانی، ایران [خداحافظی در ۷۵ سالگی]

معتقدم نویسنده مانند بوکسور و فوتبالیست و... یک دوره‌ای دارد و تمام می‌شود؛ دوره من تمام شده و دیگر نمی‌خواهم بنویسم، البته اگر بتوانم.